

شعر بسبک خراسانی در همد

همه میدانیم که از تشکیل دولت گورگانه بعد در ممالک هند ، سبک خاصی در شعر بوجود آمد که مولود آب و هوای آن اقلیم بود ، تخیلات نازک و مضامین دقیق و پیچیده بدون رعایت فحامت الفاظ و فصاحتی که مستلزم آنست . در هندوستان جای اشعار مسعود سعد و ابوالفرج را گرفت . و هنوز هم آن سبک در آن سرزمین مطلوبتر از طرز فصیح عراقی و سبک فخیم و جزیل خراسانی است .

اتفاقاً در مطالعه آثار برخی شعرا ، بشاعری ظفر یافتیم که مدتها در هندوستان بمداحی یکی از امرای بزرگ دکنی می پرداخته ولی بسبک شعرای ایران شعر می ساخته است و معذک در نزد معدوح محمود واقع گردید و بمقیده صاحب مجمع الفصحاء مقدم بر شعرا و باندک روز کاری صاحب جاه و مال شده است .

این شاعر بقول لله باشی نیری شیرازی است نامش میرزا طاهر بن قدیم خان ، در جوانی تحصیل کرده و بهندوستان رفته در شهر دکن بخدمت چند ولعل [وزیر] رسیده قبول خاطر معدوح یافته و بمدارج قرب شتافته... الخ و در سنه ۱۲۵۶ در هندوستان مرده است .

از اشعار او است که در صفت گرمای تابستان گفته است :

چون ببرج شیر شد آهوی خاور را قرار	گرم شد مانند طبع شیر طبع روزگار
بجر را بر جای لولولعل بندد در رحم	ماه را بر جای خط آذر بروید از عذار
هم پلنگ از تابش که جوید از دریا امان	هم نهنگ از جوشش دریا که جوید قرار
ابراگر خیزد هوا بر تنش بر سوزد سباب	برق اگر جنبد زمین از پاش بر توزد آزار
روی خاک از آهن تفتیده دارد روی بند	پشت باد از آتش تا ییده دارد پشتوار
آبله بر پای صرصر افتد از تاب زمین	ناخنه در چشم اختر زاید از جوش بخار

آفتابی از درخشش و آسمانی از غبار

نوگ پیکان و سم یکران او آرد برزم

چهره شیرا و ژنان از چین چو پشت سوسمار
 بردلان دریاستیز و مر کبان دریا گذار
 و زخم خون دلیران کوه را العلی ازار
 جامه جنگ ترا از نصر باشد بود و تار

سینه کند آوران از کین چو کام اژدها
 رزمگه دریانشان و تیغها دریافشان
 از غبار سم اسبان چرخ را نیلی سلب
 نعره کوس ترا از فتح باشد زیر و بم

در تتبع طرز ابوالفرج رونی گفته :

ای کلمک و نکینت امین ملک
 داری همه غث و سمین ملک
 داری تو شهر و سنین ملک
 نگرفت مگر بر سرین ملک
 تسود بر آن جز جبین ملک
 بر رخم تو در پوستین ملک
 بر کین تو شیر عرین ملک
 موم حلش ز انگین ملک
 یعنی که بجمل المین ملک

دستور ملک ای یمین ملک
 در بیعت ایمان و کلمک و بخت
 در ربه نرمان عهد و رسم
 تا بیکر داغ تو ساختند
 تا طرح جناب تو ریختند
 روبا هکی ار او فتاده است
 هان باش که بسپاردش قضا
 هم زاتش باست جدا شود
 تا چنک زند در عنان تو
 در تتبع منوچهری گفته ،

شتر بان شتر کین شتر دل
 که بیرند از دیار و یار بگسل
 فراخ افتاد در طی منازل
 که ایمن از کسل بادش مفاصل

شبا هنگام چون بر بست محمل
 جرس از کاروان برداشت افغان
 مسافر را قدم چون کام امید
 هیون خویش را در زین کشیدم

گرچه شعرش در عداد اشعار شعراى عهد فتحعلی شاه است و بیرو صبا و دیگران میباشد لیکن پیشرفت او در هندوستان خاصه در نزد هندود که درباریکی ذوق و خیال پروری از مسلمین با مغولان بسی بیشترند، جای تعجب است و از مد نظر تاریخی گویا ثانی نداشته باشد.